

مسمومیت

۳ معلم با شیطننت دانش آموزان

پرداخت دیه به مادر و دختر بعد از ۱۷ سال

دیه صدمات مادر و دختری که هدف ضربات مرگبار عمومی خانواده قرار گرفته بودند، پس از ۱۷ سال از بیت‌المال پرداخت می‌شود. به گزارش جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از عصر اولین روز خرداد سال ۱۳۸۶ آغاز شد. مرد جوانی به نام سهیل چاقو به دست وارد خانه برادرش در پاکدشت شد و یک‌راست سراغ مهناز، برادرزاده ۱۵ساله‌اش رفت که پشت میز تحریر نشسته و در حال درس خواندن بود. او را از روی صندلی به زمین انداخت و با چاقو به جانش افتاد. مادر با دیدن این صحنه برای کمک به سمت دخترش رفت اما ضربه‌های چاقو در پهلویش آرام گرفت. با صدای کمک‌خواهی او، پدر بزرگ خود را به اتاق رساند و عروس و نوه غرق در خون دید و پسرش که با چاقوی خونی بالای سر آنها ایستاده بود. مرد جوان به پدر هم حمله کرد و او را با دو ضربه به سینه‌اش زمینگیر کرد و سپس از خانه و بعد از شهر بیرون رفت. اهالی که متوجه درگیری شده بودند، سه مصدوم را به بیمارستان منتقل کردند اما پدر بزرگ به دلیل شدت جراحات جانش را از دست داد. پزشکان به زنده ماندن دختر ۱۵ساله‌امیدی نداشتند اما معجزه باعث شد به زندگی برگردد. متهم هم با حضور در اداره پلیس خود را تسلیم کرد. با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در ابتدای این جلسه اولیای دم برای سهیل درخواست قصاص کردند. سپس مهناز و مادرش به عنوان شاکی در جایگاه ایستادند و برای متهم درخواست مجازات کردند. سهیل در جایگاه قرار گرفت و در دفاع از خود گفت: مدتی بیکار بودم و سر همین با پدر و مادرم اختلاف داشتم. هر وقت عصبی می‌شدم، شیشه‌های خانه را می‌شکستم. خانواده‌ام حرف‌هایی پشت سرم زده بودند که آبروی مرا برده بود. از برادرم کینه داشتم و می‌خواستم از او انتقام بگیرم. برادرم، دخترش مهناز را دوست داشت. اگر بلایی سر این دختری‌آمد، زندگی‌اش نابود می‌شد. به همین خاطر به دخترش حمله کردم و در ادامه با دخالت همسر برادرم و پدرم آنها را هم با چاقو زدم. قضات پس از رسیدگی به پرونده، سهیل را به اتهام قتل پدرش به قصاص و به جرم حمله به مهناز و مادرش به حبس و دیه محکوم کردند. این حکم در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد و با اصرار اولیای دم اجرا شد. با قصاص قاتل و گذشت ۱۷ سال از این ماجرا، مهناز و مادرش درخواست پرداخت دیه از بیت‌المال را مطرح کردند. این بار پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در ابتدای این جلسه مهناز که حالا ۳۲ ساله شده در جایگاه ایستاد و گفت: «عموم به من ۱۵ ضربه چاقو زد که به‌طور معجزه‌آسایی زنده ماندم. دو دستم از کار افتاده و با کمک خانواده کارهایم را انجام می‌دهم. عموم مال و اموالی نداشت که بعد از اعدامش، دیه ما از آن پرداخت شود.» مادرش هم گفت: «متهم دو ضربه به پهلویم زد. اگر قانون اجازه می‌دهد دیه را از بیت‌المال پرداخت کنید.» پس از طرح این درخواست، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند و حکم به پرداخت دیه صدمات مادر و دختر را از بیت‌المال دادند.

در یک اتفاق عجیب در یکی از مدارس دخترانه شهرستان ملکشاهی، سه معلم ایلامی پس از نوشیدن چای، دچار مسمومیت شدند. اتفاقی که در پی شیطننت چند دانش‌آموز رخ داده و حالا آموزش و پرورش را با چالشی جدی روبه‌رو کرده است. به‌گزارش ایسنا، سه دانش‌آموز دبیرستان صدیقه طاهره شهرستان ملکشاهی با ریختن ماده‌ای نامشخص در چای معلمان، باعث مسمومیت سه تن از کارکنان مدرسه شدند. یکی از معلمان به علت شدت مسمومیت به بیمارستان منتقل شد و دو نفر دیگر به صورت سرپایی درمان شدند. برخی منابع مسئول می‌گویند بررسی‌های اولیه نشان دهنده عامدانه بودن این اقدام و نقش چند دانش‌آموز در آن است.

۳ کشته

در واژگونی پژو



اداعای دفاع مشروع مرد اعدامی که مردی را به دلیل ارتباط با همسرش کشته است، در دادگاه کیفری رد شد تا در یک‌دمی چوبه‌دار قرار گیرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از اواخر دی سال ۱۴۰۰ با با گزارش ناپدید شدن رموز مردی در تهران آغاز شد. مرد میانسالی با خودروی خود از خانه‌اش در غرب تهران بیرون رفت تا به محل کارش برود که ناپدید شد. با شکایت خانواده‌اش در شعبه نهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران، رسیدگی به این پرونده در دستور کار ماموران اداره چهارم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. این در حالی بود که معلوم شد او به محل کارش نرفته و همکارانش هم از او خبری ندارند. در جریان تحقیقات، ماموران در بازبینی دوربین‌های مدار بسته اطراف خانه مرد می‌انسال متوجه شدند مرد جوانی سوار خودروی وی شده و با هم محل را ترک کرده‌اند. با شناسایی هویت مرد جوان به نام شهروز، او با دستور قضایی در خانه‌اش در تهران بازداشت شد و در بازجویی هابه قتل اعتراف کرد و گفت: «چندی پیش با مقتول آشنا و با هم رفیق شدم. اختلاف و درگیری نداشتیم تا این‌که چندی پیش دعای مان شد. وقتی دوباره آشتی کردیم بعد از چند هفته متوجه شدم او پشت سرم بدگویی می‌کند که همین باعث ناراحتی و کینه من شد. آن روز به او زنگ زدم تا حرف بزنیم و به این درگیری و اختلاف پایان دهیم. در خودرویش دوباره دوایمان شد و او چاقویی را ستمم گرفت. خواستم چاقو را بگیرم که نفهمیدم چطور چاقو به خودش اصابت کرد و زخمی شد. قصد داشتم او را به بیمارستان برسانم اما فهمیدم فوت شده است. جسدش را حوالی روستای وردیج انداختم و بعد خودروی مقتول را در محله دیگری در تهران پارک کردم و به خانه‌ام بازگشتم. با این اعتراف ماموران راهی روستا شدند و جسد مقتول و بعد خودرو را کشف کردند. پرونده این قتل با تکمیل تحقیقات به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در جلسه دادگاه، متهم مدعی شد مقتول با همسرش ارتباط داشته و روز حادثه برای پایان دادن به این ارتباط با او قرار گذاشته که با هم دیگر شدند و ناخواسته مرتکب قتل شده‌است. قضات دادگاه در پایان جلسه متهم را به قصاص محکوم کردند که این حکم در شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور مهر تایید خورد. در ادامه متهم و وکیل مدافعش با طرح ادعای دفاع مشروع درخواست اعاده دادرسی دادند که پس از کش و قوس قضایی پرونده به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در این جلسه اولیای دم مقتول دوباره درخواست قصاص متهم را مطرح

بخشش ۳ برادر قاتل به شرط احداث مدرسه



شهرستان داراب استان فارس در این باره به جام‌جم گفت: در این سال‌ها سه برادر و یک داماد که زیر حکم قصاص بودند، سه مرتبه برای اجرای حکم به قرقطینه زندان منتقل شدند. هر بار تیم صلح و سازش به کمک خانواده محکومان به گفت‌وگو با اولیای دم می‌پرداختند و می‌توانستند مهلتی برای جلب رضایت بگیرند و حکم متوقف می‌شد. دو سال قبل پدر مقتول فوت کرد و به جای وی، وراث

واژگونی یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ در محور پلیس‌راه به پیشوا، منجر به مرگ یک مرد، یک زن و یک کودک شد. مجید اصغری، مسئول آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری پیشوا در این باره به سایت آتش‌نشانی گفت: واژگونی خودروی پژو ۴۰۵ در محور پلیس‌راه به پیشوا به آتش‌نشانی گزارش شد. در ادامه دو تیم امدادی و عملیاتی به محل حادثه اعزام شدند. آتش‌نشانان پس از حضور در محل، اقدام به ایمن‌سازی صحنه حادثه کردند اما زن و مرد و کودکشان فوت کرده بودند. پلیس علت وقوع حادثه را سرعت بالای خودرو، ناتوانی راننده در کنترل وسیله نقلیه و برخورد با تیر برق فشار قوی اعلام کرده است.

قتل مرد آشنا به دلیل ارتباط پنهانی با همسر! ۴



کردند. سپس شهروز در جایگاه ایستاد و گفت: «بابک با همسرم ارتباط پنهانی داشت. وقتی متوجه این موضوع شدم، تلفنی با او تماس گرفتم و خواستم از زندگی‌ام بیرون بروم اما قبول نمی‌کرد. آخرین بار، با او قرار گذاشتم. سوار ماشین او شدم و خواهش کردم از زندگی‌ام بیرون بروم اما برانیم چاقو کشید و گفت کار خوبی نمی‌کنم و تو را هم می‌کشم. برای دفاع از خودم به او حمله کردم و وقتی به خودم آمدم متوجه شدم فوت شده است. جسد را عقب ماشین گذاشتم و به روستایی در غرب تهران رفتم و آنجا رها کردم. قصد کشتن او را نداشتم و فقط برای دفاع از خودم با بابک درگیر شدم.» **رئیس دادگاه:** به مهدورالدمی مقتول اعتقاد داری؟ **شهروز:** نه. قصد قتل نداشتم. **رئیس دادگاه:** چرا وقتی سراغ مقتول رفتی، کلاه کاسکت روی سرت گذاشته بودی؟ **شهروز:** با موتور رفتم اما میانه‌ام راه موتورم خراب شد. به خاطر سردی هوا کلاه روی سرم گذاشته بودم. قضات دادگاه در پایان، با اشاره به چند دلیل، ادعای دفاع مشروع شهروز را رد و اعلام کردند ادعای این‌که مقتول از قبل چاقو آماده کرده بود، محرز نشد. از سوی دیگر اگر مقتول قصد درگیری داشت در موقعیت بهتری درگیر می‌شدنه پشت فرمان. همچنین رها کردن جسد حوالی روستایی در محلی غیر از درگیری از دلالی است که ادعای دفاع مشروع را رد می‌کند. به این ترتیب شهروز به قصاص، دیه و ۱۰ سال حبس محکوم شد.

رفتند و خانواده همچنان خواستار حکم قصاص

بودند. سرانجام با رایزنی‌های دادستان شهرستان داراب، پای یکی مرد نیکوکار و آذر شهنسواری مسئول کمیته سفیران صلح و دوستی انجمن حمایت از زندانیان به میان آمد و آنها نیز به گفت‌وگو با خانواده مقتول پرداختند. این تلاش‌ها به کمک صلح یاران شورای حل اختلاف شهرستان داراب نتیجه داد. مرد نیکوکار از خانواده مقتول خواست که برای شادی روح فرزندشان اجازه دهند یک مدرسه به نام پسر جوان‌شان در روستای محل زندگی آنها بسازد تا بچه‌های زیادی در آنجا درس بخوانند و آینده روشنی را در پیش بگیرند.

وی افزود: او زمین را به کمک خانواده قاتلان تهیه کرد و دوباره به گفت‌وگو با خانواده مقتول پرداخت که آنها قبول کردند و سه نفر از برادران محکوم به قصاص را با شرط احداث مدرسه به نام فرزندشان بخشیدند. دو نفر از زندانیان دو روز پیش آزاد شدند و دیگری نیز به‌زودی آزاد خواهد شد. همچنین صلح‌یاران در تلاش هستند تا برای داماد خانواده نیز رضایت بگیرند.

اتفاقیه

لاستیک دزدی زن شیشه‌ای در شمال پایتخت

۲۵سال است معتادم و سال هاست شیشه مصرف می‌کنم. سال ۹۰ خودرویم به سرقت رفت و با مردی آشنا شدم که می‌خواست کمکم کند آن را پیدا کنم. بعد از چند ماه ماشینم پیدا شد. می‌خواستم با او برای تحویل ماشین بروم که گفت پلیس به ما شک کرد. بعد از طی مسافتی او مرا در خودرو جا گذاشت و متواری شد. پلیس مرا بازداشت کرد و در بازرسی از خودرو تعدادی سلاح گرم و فشنگ یافت. دو سال و نیم در حبس بودم. بعد از آزادی‌کارم را از دست دادم. از طریق یکی از زنان زندانی با مردی آشنا شدم که با دوستانش سرقت لوازم خودرو و لاستیک می‌کرد. چندمرتبه با آنها و افراد دیگری سرقت کردم که دستگیر و چندمرتبه به زندان افتادم. زمستان سال گذشته آزاد شدم و سراغ‌شان رفتم و با آنها وسایل و اموال داخل خودروها را سرقت می‌کردیم و می‌فروختم. سراغ خودروهای گران‌قیمت هم می‌رفتم و لاستیک آنها را سرقت می‌کردیم. بعد از فروش اموال دزدی سهمی به من می‌رسید. صیاد خاکزاد عربلو، بازپرس شعبه دهم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تأیید این خبر گفت: با اعتراف متهمان آنها در بازداشت هستند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

جایگاه

حوادث

۱۹

INCIDENT

چهارشنبه ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ ۱۴۰۴ شماره ۷۰۲۶

🕒 کوتاه‌از حوادث

بازداشت «هانی‌گرده»

در عملیات واحد ویژه مبارزه با اراذل و اوباش پلیس پایتخت، شرور سطح یک معروف به «هانی‌گرده» پس از مقاومت با اصابت گلوله بازداشت شد. به‌گزارش مرکز اطلاع‌رسانی قاتب، از مخفیگاه وی یک قبضه سلاح کمری با مهمات و پنج تیغه قمه کشف و ضبط شد. او به اتهام شرارت‌هایش تحت تعقیب پلیس بود. تحقیقات از او ادامه دارد.

دستگیری باند سارقان مسلح طلا

فرمانده انتظامی استان کرمانشاه از انهدام باند سارقان مسلح طلا و دستگیری هر چهار عضواین باند خبر داد. سردار مهدی حاجیان در این باره به سایت پلیس گفت: سه ماه پیش و به‌دنبال وقوع سرقت مسلحانه طلا از داخل یک خودرو در شهرک امام کرمانشاه، تحقیقات پلیسی در این رابطه آغاز شد. در این حادثه اعضای یک باند در برنامه‌ای از پیش طراحی شده و به‌دنبال شناسایی خودروی صاحب یک مغازه طلافروشی، اقدام به تعقیب آن و سرانجام تیراندازی و سرقت حدود یک کیلو و ۲۰۰ گرم طلا کرده و متواری شدند که سرانجام هر چهار متهم بازداشت شدند.

اتوبوس ترمز برید و دچار حادثه شد



اتوبوس شرکت واحد در خیابان اره‌گر تبریز ترمز برید و با خودروهای اطراف برخورد کرد.

وحید شادی‌نیا، سخنگوی اورژانس آذربایجان شرقی در این باره به ایسنا گفت: در پی بریدن ترمز اتوبوس شرکت واحد در بعدازظهر سه‌شنبه در خیابان اره‌گر تبریز، به تعدادی از خودروهای پارک‌شده در کنار خیابان خسارت زیادی وارد شد. این حادثه فقط یک مصدوم از سرنشینان یکی از خودروهای پارک‌شده در حاشیه خیابان داشت که توسط عوامل اورژانس درمان شد.

تنبیه مقابل همکلاسی‌ها

معلمی یکی از دانش‌آموزانش را در برابر دیدگان شاگردان خود سر کلاس درس به‌شدت تنبیه کرد. به‌گزارش مهر، پس از انتشار فیلمی در فضای مجازی که نشان می‌دهد یکی از دبیران مدارس استان کرمانشاه برخوردی نامناسب با یک دانش‌آموز در کلاس درس دارد و او را در برابر سایر دانش‌آموزان مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد، آموزش و پرورش ناحیه یک کرمانشاه به این حادثه واکنش نشان داد.

روابط عمومی آموزش و پرورش ناحیه یک کرمانشاه با انتشار بیانیه‌ای رسمی، ضمن ابراز تاسف از وقوع چنین رخدادی اعلام کرد که این مسأله بلافاصله پس از اطلاع مسئولان آموزش و پرورش در دستور رسیدگی قرار گرفته است. براساس این بیانیه، معلم خاطی شناسایی و پرونده وی برای بررسی و اعمال برخورد قانونی به هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان آموزش و پرورش ارجاع شده‌است. در ادامه این اطلاعیه آمده‌است: «اداره کل آموزش و پرورش استان کرمانشاه همواره خود را متعهد به حفظ کرامت دانش‌آموزان دانسته و در این مسیر، از هیچ اقدامی برای صیانت از حقوق آنها فروگذار نخواهد کرد. تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.

شکایت ۶ نفر از یک آزارگر کودکان

مردی که به چند کودک در تهران تجاوز کرده بود، بازداشت شد. به‌گزارش ایسنا، این متهم در حال حاضر شش شاکي دارد. او با چرب‌زبانی تحت عنوان این‌که مأمور شهرداری است و با لباس مبدل شهرداری، بچه‌ها را فریب می‌داده و وسوار موتور می‌کرده و به بیابان‌های اطراف تهران می‌برده است. در ابتدا به کودکان مواد بیپوش‌کننده می‌داده و پس از آن به کودکان تجاوز می‌کرده‌است. تصاویر و فیلم‌های مربوط به این وقایع، در موبایل او کشف شده است. در بررسی پزشکی قانونی مشخص شد که او از سلامت روان برخوردار بوده و سالم است. همچنین بررسی از شکات نیز ادعای تجاوز را تایید می‌کند. بررسی‌ها در مورد این پرونده در شعبه اول بازپرسی دادسرای جنایی ادامه دارد.